این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

به عنایت امام رضا(ع) عادت ۴۰ ساله‌ام ترک شد

آیت‌الله شبیری زنجانی:

۲۱ساله بودم که مرحوم امیرعلینقی زنجانی از دنیا رفتند. ایشان بسیار اهل زیارت بودند. این قضیه را خودم از ایشان شنیدم. می‌فرمودند: من ۴۰ سال چُپُق می‌کشیدم، به این صورت که با آتش چپق، چپق بعدی را روشن می‌کردم! یک بار به زیارت امام رضا (ع) مشرف شدم. در حرم همین که خواستم اذن دخول بخوانم، سرفه‌ام گرفت و ادامه پیدا کرد، به گونه‌ای که نتوانستم اذن دخول را به پایان برسانم.

خیلی ناراحت شدم. به حضرت رضا(ع) خطاب کردم: با این زحمت از راه دور آمده‌ام. این پذیرایی شایسته است که شما مرا دعوت کنید، ولی نتوانم یک زیارت‌نامه بخوانم!؟ در همان آن، سرفه‌ام قطع شد و از همان لحظه از چُپُق نفرت پیدا کردم! از آن وقت به بعد با آن عادت عجیب، چپق کشیدن را ترک کرد و تا آخر عمر نکشید. مدتی که ایشان را درک کردم، چپق نمی‌کشید و این قضیه مربوط به قبل از ولادت من بود.

منبع: کانال تلگرامی «ir_bahjat۳۱۳» به استناد کتاب جرعه‌ای از دریا، ج۲، ص۵۲۹، سیدموسی شبیری زنجانی، نشر مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه

عکسی پر از زندگی اما نگرانی

محمد صرفی در توییتی نوشت: اسرا معلم است و این هم دانش‌آموزانش در خان‌یونس. پرچم را به دیوار کلاس بی‌سقف آویخته‌اند و آسمان شاهد این لحظه پر از زندگی و زیبایی است. دل از دیدن‌شان پر از شادی می‌شود و البته نگرانی که معلوم نیست تا آخر هفته چند نفر از این فرشتگان کوچک به آسمان پربکشند.

اولین آپارتمان جهان در ایران

کانال تلگرامی «اسمارت تکنیک» نوشت: جالبه بدونید اولین سازه آپارتمانی جهان «دژ ایزدخواست» نام دارد که در زمان ساسانیان ساخته شده و به لحاظ قدمت اولین قلعه خشتی جهان و به لحاظ وسعت دومین قلعه خشتی جهان محسوب می‌شود.

برجی عجیب که قرار نیست کسی در آن ساکن شود!

کانال تلگرامی «دورنمای اقتصاد» نوشت: یک برج زیبا این بار نه برای کاربری مستغلات و تأمین مسکن و دفتر کار، بلکه برای تولید آب! یک برج با نمای یک کدوی عظیم‌الجثه! ساخته شده از گیاهان بامبو! باران، مه و شبنم در برابر مش‌های (دریچه‌ها) ساخته شده، متراکم می‌شوند و به یک مخزن در پایین سرازیر می‌شوند. ببینید چقدر راحت و با کمترین امکانات! هر یک با قابلیت تولید ۹۰لیتر آب در روز حتی در بیابان، بدون صرف انرژی یا هر چیز دیگر. برنده جایزه آرشیتکتی یک ایتالیایی کارآفرین.

قدر المپیادی‌ها را هم بدانیم

سینا کلهر در توییتی نوشت: ارزش مدال طلای المپیادی‌ها بیشتر از المپیک نباشد، کمتر نیست! چرا کسی این جوانان موفق را نمی‌شناسد؟ چرا خبری از جوایز میلیاردی نیست؟ کاش روزی هر دو گروه قدر ببینند و بر صدر بنشینند.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به گفت‌وگوهای افزایش قیمت بنزین

سازوکار اصلاح مهم‌تر از اصل اصلاح قیمت

صحبت‌های جدید معاون اول رئیس‌جمهور درخصوص قیمت بنزین با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود و کاربران مختلف از الزامات اصلاح قیمت بنزین گفتند. کاربران تأکید کردند مهم‌تر از اصلاح قیمت بنزین سازوکار اصلاح قیمت و توجیه مردم برای همراه‌سازی آنهاست. کاربران بیان داشتند که هر تصمیمی نباید موجب ضربه به طبقه محروم جامعه شود. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

سیدحامد سیدقربانی:
پس از افزایش قیمت بنزین در سال‌های ۷۴ و ۹۳ و هشت بار افزایش قیمت آن بین سال‌های ۷۵ تا ۸۴، تورم نصف شده است. حتی همین آبان ۹۸ که بعضی با فکر ایجاد تورم بعد از افزایش قیمت بنزین به خیابان آمدند تا چهار ماه بعدش تورم کاهشی بود.

علی چاهخوزاده:
حالا که بحث گرانی بنزین داغ است، چرا کسی درباره بنزین مفت ۶۰۰ تومانی که به شرکت‌های هواپیمایی داده می‌شود، صحبت نمی‌کند، کمتر از دو ماه پیش با حکم دیوان عدالت قیمت بلیت هواپیما حدود ۲/۵ برابر شد.

احمد روستایی:
اصلاح قیمت بنزین امری مسلم است و نیاز کشور. اصلاح این قیمت شجاعت، درایت و عقلانیت می‌خواهد. رویکردهای صبح جمعه فهمیدم کشور را نابود می‌کند. احصای سازوکار کارشناسی اصلاح قیمت و توجیه مردم لازمه هر اقدامی در این خصوص است.

کاربری با نام «محمدحسن»:
تثبیت قیمت بنزین، یعنی بیشتر بودجه کشور صرف یارانه انرژی شود، این یعنی ادامه خلق نقدینگی برای جبران کسری بودجه و ادامه تورم. در واقع عامل تورم سال‌های اخیر، تثبیت قیمت بنزین است و تنها راه کاهش تورم اصلاح قیمت بنزین، چیزی که نه دشمنان خارجی می‌خواهند نه رانتخوران داخلی.

محمد یزدان‌پناه:
اینکه نرخ بنزین باید تغییر کند، تردیدی نیست. چیزی که مهم است ساز و کار انجام آن و همراه ساختن مردم است. ضروری است روند چگونگی افزایش قیمت بنزین با شرایط روز جامعه همخوانی داشته باشد و از ضربه به طبقات محروم جلوگیری شود.

حمید حقیقی:
آقای عارف کاملاً صحیح است عقل سلیم قیمت فعلی بنزین را نمی‌پذیرد، اما عقل سلیم قیمت مسکن، خودرو، گوشت، برنج، لبنیات که با قیمت‌های نیویورک برابری می‌کند، در حالی که دستمزد ماهانه حدود ۱۶۰دلار است را هم نمی‌پذیرد.

حسین فلاح:
معاون اول محترم رئیس‌جمهوری فرمودند: «کدام عقل سلیمی می‌گوید بنزین را با دلار وارد کنیم و لیتری هزار و ۵۰۰ تومان بفروشیم.» حرف کاملاً درستی است، اما یه سؤال از ایشون کدام وجدان بیداری میتونه بپذیره خانواده یک کارگر محترم با ماهی ۱۲میلیون تومان، یعنی ۲۰۰ دلار زندگی کنه.

احمد جعفری:
حالا حتی یه بچه هم میدونه که برای از بین بردن هر پدیده زشتی، نخست باید زمینه‌های ظهور و بروز اونو از بین برد. موضوع بنزین هم از این قاعده مستثنی نیست! اما اینکه چرا عقل سلیم کابینه چهاردهم اینو نمیدونه، باید از خودش پرسید! #بنزین

علی بازگشا:
ماشین گرون، ماشین پرمصرف، بنزین گرون. نمی‌دونم سیاست مدیریت مصرف سوخت رو چرا از مردم شروع می‌کنند؟! اول خودرو ساز و خودروها رو کم مصرف کن. ماشین من صدی ۳ بسوزونه. بنزین رو بعدش کن ۲۵تومان.

آیا طوفان مهربانی جامعه ایران را فراگرفته است؟

دکتر فردین علیخواه در کانال تلگرامی خود نوشت: شاید برای شما هم پیش آمده باشد که برای خرید کالایی به جایی مراجعه کرده یا برای پرسیدن سؤالی با جایی تماس گرفته باشید و فروشنده یا پاسخ‌دهنده در همان ارتباط نخست از کلماتی بسیار صمیمی استفاده کرده باشد که شاید آن موقعیت برای استفاده از آن کلمات مناسب نبوده باشد. کلماتی مانند «عزیزم»، «گلم»، «عشقم»، «جون»، «آی جون»، «فداتون بشم»، «قربون شما برم من»، «تاج سر منی عزیزم» «عزیز دلی» از آن جمله است. به کارگیری این کلمات در ارتباطاتی که بسیار گذرا و موقتی است- نظیر یک مرکز خرید- کمی تعجب‌برانگیز است. آیا طوفان مهربانی جامعه ایران را فراگرفته است؟

مشاهدات روزمره حکایت از آن دارد که معمولاً زنان در ارتباط با سایر زنان، حتی در نخستین تماس‌ها و دیدارها بیشتر از این کلمات صمیمی استفاده می‌کنند. البته این به آن معنا نیست که مردان از چنین کلماتی استفاده نمی‌کنند. اغراق در صمیمیت یا نمایش صمیمیتی که از اساس وجود ندارد یکی از ویژگی‌های بخشی از مردان یا خرده- فرهنگ گروه‌هایی از مردان در جامعه ایرانی است. «مخلصم»، «نوکرم»، «چاکرم» و کلماتی مانند «بفرما» در شرایطی که مشخص نیست شنونده به چه چیز باید «بفرماید» از آن جمله هستند.

نکته‌ای که در جامعه ایرانی شاید کمی عجیب به نظر آید گسترش دو وضعیت متناقض است. به این معنا که از طرفی شاهد گسترش «رکیک گویی» در گفت‌وگوهای عادی روزمره و از طرف دیگر شاهد بذل و بخشش در کلمات صمیمی در ارتباطات روزمره هستیم. البته بگذارید همینجا به نکته‌ای اشاره کنیم. به نظر می‌رسد که هر دو روند اجتماعی حداقل یک ویژگی مشترک دارند و آن اینکه زمانی این کلمات بیان می‌شوند که هنوز خیلی زود است! یعنی فرقی نمی‌کند، چه «رکیک گویی» و چه «صمیمیت‌نمایی» زمانی ظهور و بروز می‌یابند که هنوز رابطه به آن نقطه از صمیمیت یا آن نقطه از تنفر و خشم نرسیده است! ما همواره خیلی زود با فحش‌های رکیک نواخته و با کلمات مهربانانه نوازش می‌شویم! گویا هر دو در نوک زبان‌مان است و در دل‌مان خبری از هیچ‌کدام نیست!

بعید می‌دانم که این موج «صمیمیت‌نمایی» تصمیم آگاهانه جامعه ایرانی برای مقابله با موج «رکیک گویی» باشد چون افرادی که استراتژی «صمیمیت‌نمایی» را در ارتباطات اجتماعی‌شان انتخاب کرده‌اند به آسانی می‌توانند وارد فاز «رکیک گویی» شوند. همانطور که گفتم هر دو در نوک زبان‌شان است.

بدون تردید زبان با تحولات و تغییرات جامعه و تغییرات تکنولوژی به معنای اعم آن در ارتباط است. گمان جامعه‌شناختی نخست من آن است که گسترش «صمیمیت‌نمایی» و الفاظی مانند «عشقم»، «گلم»، «خانمم»، «جونم» در برخوردها و تماس‌های اولیه اجتماعی و همچنین بذل و بخشش کلمات محبت‌آمیز بدون آنکه هنوز زمینه آن فراهم باشد بیانگر اهمیت یافتن جذب دیگران/به دست آوردن نظر مثبت سایرین/جلوه‌کردن به عنوان آدمی مثبت و انرژی‌دهنده است. ابزار مناسب برای تحقق همه اینها هم روابط عمومی خوب است و «صمیمیت‌نمایی» مصداقی از روابط عمومی خوب تلقی می‌شود، ولی پرسش آن است که آیا می‌توان گفت که روند «صمیمیت نمایی» به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم «فروش به هر قیمتی» در بازار کالاها و خدمات ایران از حوزه اقتصاد به حوزه اجتماع سرایت کرده است؟ یعنی افراد معمولی اجتماع هم خود را همچون یک کالا می‌بینند که باید با کلمات محبت‌آمیز دیگران را جذب خود کنند و به هر شکلی «دیگران را داشته باشند؟»

گمان جامعه‌شناختی دوم به محاوره‌های معمولی در شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد. به نظر می‌رسد که این طوفان، پدیده‌ای است که ابتدا در شبکه‌های اجتماعی ظهور و بروز پیدا کرده و سپس در سطح جامعه گسترش یافته است. بررسی اولیه ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی حتی در بین افرادی که شناختی از همدیگر ندارند، بررسی گفت‌وگوهای دوستانه و به طور خاص بررسی صفحات اینفلوئنسرها در اینستاگرام (که هر دنبال‌کننده خود را یک اسکناس بالقوه می‌بینند) بیانگر غلبه «صمیمیت‌نمایی» افراطی در فضای مجازی است.

وضعیت ایده‌آل آن است که کلمات بیانگر احساسات و عواطف واقعی آدمی باشند. به دور از اغراق و عاری از تملق. به قول حضرت حافظ هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد.

ابرقهرمانان واقعی

کانال تلگرامی «تبیان» نوشت: ما همیشه عادت داریم در فیلم و سریال به دنبال ابرقهرمان‌ها بگردیم. کسانی که با قدرت‌های مافوق بشری دست به کارهای خارق‌العاده‌ای می‌زنند که دهان بشر باز می‌ماند، اما رویداد پارالمپیک مملو از ابرقهرمانان واقعی است. کسانی که محدودیت جسمی خود را هر روز شکست می‌دهند و از نگاه‌های بی‌مهر جامعه هراسی ندارند.

خبر یک پیروزی امنیتی که دیده نشد

مرتضی کارآموزیان توییت کرد: خبر خوبی که لابه‌لای اخبار این چند روز دیده نشد و مثل یک وعده صادق پیروزی امنیتی برای ما بود: گروه‌های تجزیه طلب کرد مجبور به تخلیه مقرهای خود شدن. حتی اجازه انتقال سلاح‌های سنگین و نیمه‌سنگین هم به اونا داده نشد و در عمل خلع سلاح‌شدن. نقش این گروهک‌ها را در فتنه ۱۴۰۱ یادمان نمی‌رود.

هرز رفتن «جان» آدم

محمود مقدسی در کانال تلگرامی خود نوشت: گاهی فکر می‌کنم زندگی آدم چنین چیزی است: یک جهان بزرگ، یک دنیا اتفاق و آدم و چیز کنترل‌ناپذیر و یک ذهن محدود در پی بقا. نتیجه‌اش می‌شود تقلای مدام برای فهمیدن، کنترل کردن و جلوزدن از اتفاقات. نتیجه‌اش می‌شود قصه گفتن در مورد آینده، سناریوهای مختلف را چیدن و بالا و پایین کردن. نتیجه‌اش می‌شود خوشحال‌شدن، غمگین‌شدن، مضطرب‌شدن و امیدوارشدن بی‌آنکه هیچ اتفاقی آن بیرون افتاده باشد. این قصه محدود به ذهن‌های وسواسی و آماده نشخوار ذهنی هم نیست. چنین ذهن‌هایی بیشتر مستعد این تلاش برای جلوزدن از زمان هستند، اما همه کم و بیش تجربه‌اش می‌کنند. نتیجه‌اش می‌شود هرز رفتن «جان» آدم.

این جان هم کلمه جالبی است: هم یعنی عمر و زمان، هم یعنی رمق و توان، هم یعنی اشتیاق و ذوق و هم خیلی چیزهای دیگر. همه‌شان یکجا می‌شوند «جان.» بعد وقتی کسی می‌گوید جانش را ندارم، یعنی خیلی از این چیزها را ندارد. وقتی می‌گویند کسی مرد و بی‌جان شد، یعنی همه اینها را از دست داد. وقتی هم من می‌گویم این تلاش برای جلوزدن از اتفاقات، جان آدم را هرز می‌دهد، منظورم همین است.

چاره‌اش چیست؟ شاید اینکه آدم یاد بگیرد که نمی‌شود. یاد بگیرد که آن بقایی که به دنبالش می‌گردد همین حالا دارد با از دست رفتن جانش از دست می‌رود. بفهمد که هرقدر هم مشتش را ببندد و چیزها کنترل کند، آنچه از لای انگشتانش بیرون می‌زند، اصلی‌ترین داشته اوست، جانش. می‌دانم سخت است. می‌دانم ذهن ما اینطوری طراحی شده، اینطوری یاد گرفته‌ایم و اصلاً خیلی وقت‌ها اضطراب راه دیگری برای‌مان باقی نمی‌گذارد، اما گاهی همین فکر کردن به «هرز رفتن جان» شاید بتواند آدم را به کناری بکشد و این «جان‌بانی» بتواند آدم را از تلاش برای فهمیدن و کنترل کردن مدام چیزها بیرون بکشد.

«زیر آب‌زنی» از کجا آمده است؟!

کانال تلگرامی «آموزه‌های سازمانی» نوشت: زیرآب در خانه‌های قدیمی تا کمتر از ۱۰۰ سال پیش که لوله‌کشی آب تصفیه نشده بود، معنی داشت. زیرآب در انتهای مخزن آب خانه‌ها بوده که برای خالی کردن آب، آن را باز می‌کردند. این زیرآب به چاهی راه داشت و روش بازکردن زیرآب این بود که کسی درون حوض می‌رفت و زیرآب را باز می‌کرد تا لجن ته حوض از زیرآب به چاه برود و آب پاکیزه شود. در همان زمان وقتی با کسی دشمنی داشتند، برای اینکه به او ضربه بزنند زیرآب حوض خانه‌اش را باز می‌کردند تا همه آب تمیزی را که در حوض دارد از دست بدهد. صاحبخانه وقتی خبردار می‌شد خیلی ناراحت می‌شد، چون بی‌آب می‌ماند. این فرد آزرده می‌گفت: «زیرآبم را زده‌اند.» این اصطلاح که زیرآبش را زدند ریشه از همین کار دارد که چندان دور هم نبوده است.

پاسخی به هوتن شکیبا

سیدمصطفی موسوی در کانال تلگرامی خود با اشاره به استوری هوتن شکیبا که از تبریک ماه‌ربیع در بنرهای شهری انتقاد کرده و آن را غیرایرانی خوانده بود، نوشت: آقای هوتن شکیبای عزیز، ایرانیان بیش از هزار و ۳۰۰ سال از مسلمان شدن‌شان می‌گذرد. اعراب با زور آمدند، اما ایرانیان به زور مسلمان نشدند! همانطور که مغول‌ها نتوانستند ایرانیان را به آیین خودشان در بیاورند! پس اسلام انتخاب این مردم باهوش و زرنگ بوده است! در ضمن، دین و مذهب هر ملیتی با آیین و رسوم و ملیت آنها در تضاد نبوده و نیست... امیدوارم لااقل آنهایی که برای شما کف و سوت می‌زنند کریسمس را به هم تبریک نگویند، چون اسباب ناراحتی شما می‌شود! مگر خودتان نوروز ندارید؟ یا در کلمات و جملات از واژه‌های انگلیسی استفاده نکنید...

تأمین انرژی کارخانه بی‌ام‌و با توربین‌های بادی بی‌حرکت

شرکت فناوری ایرومایر(Aeromine Technologies) مستقر در هیوستون، دسته‌ای از ایرفویل‌های (airfoil) مهارکننده انرژی باد بی‌صدا و بی‌حرکت را روی سقف کارخانه بی‌ام‌دبلیو (BMW) در آکسفورد، بریتانیا نصب کرده‌است. آنها به منظور تکمیل صفحات خورشیدی این کارخانه برای تولید انرژی پاک نصب شده‌اند، در حالی که فضای بسیار کمتری را اشغال می‌کنند.

به گزارش ایسنا، شرکت ایرومایر اذعان دارد که هر یک از توربین‌های آن که هیچ بخش متحرک قابل مشاهده‌ای ندارد برای تولید مقدار انرژی مشابه صفحات خورشیدی کافی است و تنها ۱۰ درصد از مساحت پشت‌بام را اشغال می‌کند. این شرکت همچنین ادعا کرد که آنها ۵۰ درصد انرژی بیشتری نسبت به تأسیسات خورشیدی با همان هزینه تحویل می‌دهند.

به نقل از نیواطلس، ایرومایر در سال ۲۰۲۲ خاطرنشان کرد که مواد خود را در کارخانه سازنده مواد شیمیایی BASF Corporation در میشیگان آزمایش کرده است. سیستم انرژی باد بدون حرکت به تازگی در کارخانه MINI بی‌ام‌و نصب شده که اولین نمونه از این نوع در بریتانیاست. این توربین‌ها علاوه بر اثرات کوچک‌شان، ساخت و نگهداری ارزانی نیز دارند. این شرکت می‌گوید آنها از مواد قابل بازیافت و از یک ژنراتور مهر و موم شده استفاده می‌کنند که نیازی به روغن کاری دوره‌ای ندارد و باید ۲۰ سال عمر کند. این توربین‌ها در لبه‌های سقف ساختمان‌ها، رو به جهت باد قرار می‌گیرند. هنگامی که باد از لبه ساختمان می‌گذرد، سرعت می‌گیرد روی ایرفویل‌های عمودی که در دو طرف ستون مرکزی مرتفع قرار دارند، جریان پیدا می‌کند. این یک منطقه کم فشار در پشت ستون ایجاد می‌کند که باعث مکش هوا از پایین دستگاه می‌شود و پروانه داخلی را برای تولید نیرو می‌چرخاند.

ایده بزرگ پشت توسعه این دستگاه‌های بادی این است که کار انرژی خورشیدی روی پشت بام را تکمیل کنند، زیرا صفحات خورشیدی فقط زمانی که هوا آفتابی است می‌توانند انرژی تولید کنند. بنابراین به طور کلی سیستم قوی‌تری به وجود خواهد آمد. از آنجا که آنها نیاز به فضای کوچکی دارند، فضای زیادی برای قرار دادن صفحات خورشیدی بین توربین‌ها وجود دارد. اگر این پروژه اولیه با بی‌ام‌و موفقیت‌آمیز باشد، ایرومایر امیدوار است که منجر به گسترش سیستم‌های آن در سراسر تأسیسات این شرکت خودروسازی در سایر نقاط جهان شود.

تصویر منتخب

نقشه ایران بر اساس نقوش قالی در هر منطقه
از صفحه توییتری نیره نوری